

## **Pathology of System Actions and Policies in the Management and Organization of Cyberspace**

*Mohammad Javad Valizadeh\**

*Assistant Secretary of the Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution  
Email: mj.valizadeh@sccr.ir*

### **Abstract**

In line with the need to organize cyberspace in order to use the capacity and prevent the spread of threats and social injuries, many measures have been taken and many laws and documents have been enacted as many costs and many structures have been formed, but in general, the goal expected by the researcher And the desired result and effectiveness are not observed. This analytical-descriptive article with the method of library collection seeks to answer the question of what is the problem or shortcoming that causes the actions of the devices and the rules and policies of the subject to be ineffective or even ineffective and the cyberspace is not organized? And has it perpetuated the chaos? The research findings show that the challenges are: not organizing the national information network, not using smart filtering, weak internal media, problems and obstacles to the effectiveness of the masterpiece system, leaving filter breakers and not dealing effectively with infringing blogs and websites, lack of foresight Virtual numbers, weakness in the implementation of the Shamad code scheme, lack of control of internal VODs, inconsistency of devices in legislation and implementation and lack of staff leadership, and the dominance of negative approaches over positive in organizing cyberspace, have caused disorder, uncontrolled social injuries and its spread In this research, the proposed operational and practical solutions to get out of the current situation, while explaining the challenges and shortcomings, are explained.

**Keywords:** cyberspace, organization, cyberspace governance, pathology.

---

\*. Date of Reception: 2021/09/23 , Date of Acceptation: 2021/12/08

## آسیب‌شناسی اقدامات و سیاست‌های نظام در مدیریت و ساماندهی فضای مجازی

محمدجواد ولی زاده\*

استادیار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

Email: mj.valizadeh@sccr.ir

### چکیده

در راستای ضرورت ساماندهی فضای مجازی با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و جلوگیری از گسترش تهدیدات و آسیب‌های اجتماعی، اقدامات زیادی صورت گرفته و قوانین و اسناد زیادی وضع شده است همانطور که هزینه‌های زیادی صرف و ساختارهای زیادی شکل گرفته‌اند لیکن در مجموع، هدف مورد انتظار محقق نشده و نتیجه و اثربخشی مطلوب مشاهده نمی‌شود. این مقاله از نوع تحلیلی - توصیفی با روش گردآوری کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ این سوال است که چه مشکل و یا نقصانی وجود دارد که باعث کم‌ثمر شدن و یا حتی بی‌ثمر ماندن اقدامات دستگاه‌ها و قوانین و سیاست‌های موضوعه شده و سامان نیافتن فضای مجازی و تداوم بی‌نظمی و آشفتگی آن را به بار آورده است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که چالش‌های: ساماندهی نشدن شبکه ملی اطلاعات، عدم بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند، ضعف پیام‌رسان‌های داخلی، مشکلات و موانع اثربخشی سامانه شاهکار، رها بودن فیلترشکن‌ها و عدم برخورد مؤثر با وبلاگها و وبسایت‌های متخلف، فقدان آینده‌نگری نسبت به معضلات شماره‌های مجازی، ضعف در اجرای طرح کد شامد، عدم کنترل VODهای داخلی، ناهماهنگی دستگاه‌ها در تقنین و اجرا و فقدان راهبری ستادی، و غلبه رویکردهای سلبی بر ایجابی در ساماندهی فضای مجازی، باعث تداوم نابسامانی، کنترل نشدن آسیب‌های اجتماعی و گسترش آن شده است. در این تحقیق راهکارهای پیشنهادی عملیاتی و کاربردی برای برون رفت از وضعیت فعلی، در ضمن بیان چالش‌ها و نواقص، مورد تبیین قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه: فضای مجازی، ساماندهی، حکمرانی فضای مجازی، آسیب‌شناسی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷

## مقدمه

رهبر معظم انقلاب در جمع مسؤولان جبهه فرهنگی انقلاب فرمودند: «فضای مجازی، حقیقتاً قتلگاه نوجوانان و جوانان شده است. منطقه عظیمی از این فضا اکنون در دست دشمن است. باید دشمن را از فضای مجازی برانید و بتارنید» (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۹).

در این راستا با هدف جلوگیری از گسترش آسیب‌ها از مجرای فضای مجازی، (اعم از آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و...)، اقدامات زیادی صورت گرفته و قوانین و اسناد متعددی وضع شده، همان‌طور که هزینه‌های زیادی صرف و ساختارهای زیادی شکل گرفته است<sup>۱</sup> ولی در مجموع، هدف مورد انتظار از آن‌ها محقق نشده و نتیجه و اثربخشی مطلوب مشاهده نمی‌گردد، طوری که در چند سال اخیر با کوچ کردن تخلفات و آسیب‌ها از فضای حقیقی به مجازی، غالب مشکلاتی که برای افراد و کشور در سطح خرد و کلان ایجاد شده با بهره‌گیری از این بستر بوده و اکثریت قریب به اتفاق مسائل و معضلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و... به نوعی با فضای مجازی نابسامان ارتباط پیدا می‌کنند! آمار بالای سرقت اینترنتی، نفوذ به حریم خصوصی افراد و دستبرد به اطلاعات و داده‌های محرمانه، اخاذی و تهدید به انحاء مختلف، فروش و توزیع کالاهای ممنوعه از سلاح گرفته تا مواد مخدر و مشکلات امنیتی با تحریک اقوام و گروه‌ها و جولان دادن گروهک‌های ضدوطنی، همه و همه پای ثابت فضای مجازی نابسامان هستند و ساختارها و قوانین و اقدامات فعلی، با اذعان به تأثیرگذاری و جلوگیری‌شان از وضع فاجعه‌بار، نتوانسته‌اند وضع مطلوبی را برای فعالیت در فضای مجازی رقم بزنند.

بنابراین در این تحقیق با اذعان به زحمات کشیده شده، سوال اساسی این است که چالش یا چالش‌های اصلی پیش رو کدامند و گلوگاه‌های کار کجاست که بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن‌ها باعث عدم توفیق در ساماندهی فضای مجازی شده است؟

آنچه گفته شد نه تنها به معنی چشم‌پوشی از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بسیار بالای فضای مجازی نیست<sup>۲</sup> بلکه

۱. ساختارهای عظیمی همچون شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی و بودجه‌های هنگفتی همچون: مصوبه مجلس شورای اسلامی بر تخصیص ۱۵۰۰ میلیارد تومان به فعالان فضای مجازی در سال ۱۴۰۰ از طریق صندوق حمایت از تولید محتوا در فضای مجازی با عاملیت ۲۷ دستگاه فرهنگی.

۲. برخی از فرصت‌های فضای مجازی عبارتند از: سرعت در انتقال و دسترسی به اطلاعات و دانش، تنوع و جذابیت، ارتباطات دوسویه و چند سویه، کاهش هزینه‌های اقتصادی زندگی، گسترش و سرعت تعاملات و تبادل نظر، آزادی اطلاعات و ارتباطات، دست‌یابی آسان به آخرین اطلاعات، جهانی و فرامرزی بودن، آگاهی از اخبار روز و تسهیل در انجام امور خانواده، افزایش سطح اجتماعی شدن و همگرایی با دوستان، نجات از تنهایی و کسب حمایت اجتماعی، یاری‌رسانی حداکثری، پر کردن اوقات فراغت، آشنایی آسان با نقطه نظرات دیگران و به‌شکلی گسترده، تبادل تجربیات مختلف، انجام تبلیغ جهت فروش کالا، مسایل نوع دوستانه، استفاده‌های مشاوره‌ای، مقاصد آموزشی همچون: افزایش دسترسی به محتوا، کتابخانه‌های دیجیتال، آموزش از راه دور، یادگیری الکترونیک و آموزش مجازی، ...

دقیقاً در جهت بروز و ظهور ظرفیت‌ها و استفاده حداکثری از پتانسیل بالای این فضا است به‌عنوان نمونه فضای مجازی بستر بسیار مناسبی برای تسریع در ارائه خدمات برخط و گسترده برای کاربران توسط شرکت‌ها، مؤسسات، دستگاه‌های دولتی است لیکن در صورت فراهم بودن فضا برای فعالیت‌های کلاهبردارانه و سارقان اطلاعات کاربران، چنین امکان و تمهیدی با خطر مواجه خواهد شد. بنابراین غایت و هدف این بحث، ضمن توجه به معضل آسیب‌های اجتماعی، نظم و نسق داشتن فضای مجازی به منظور استفاده بهینه از ظرفیت آن در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... است.

## پیشینه و نوآوری تحقیق

علی‌رغم کثرت تحقیقات در حوزه فضای مجازی، عمده آن‌ها به موضوع بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و یا کارکرد برخی از ابزارهای موجود در فضای مجازی مانند شبکه‌های اجتماعی اختصاص دارد و تحقیقاتی که نگاه حاکمیتی داشته باشند و عملکرد حاکمیت و دستگاه‌های مربوطه و قوانین موضوعه را مورد بررسی قرار دهند بسیار نادر و اندک هستند از این دست تحقیقات می‌توان به: ارائه مدل اجرای خط مشی‌های فضای مجازی در ایران چاپ شده (فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، بهار ۱۴۰۰)؛ راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی (مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی سال دهم شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰)؛ تبیین سیاست‌گذاری فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران (الزامات و اصلاح، در چارچوب اهداف مورد نظر در اسناد بالادستی) (مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۸)؛ آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری تولید محتوای فضای مجازی در ایران چاپ شده (مجله مدیریت دولتی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷)؛ نقش دولت در مدیریت فضای مجازی از منظر قانون اساسی ایران (فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۷)، اشاره کرد. نگاهی به محتوای همین پژوهش‌ها نیز که بخشی از آن‌ها در این تحقیق مورد استناد قرار می‌گیرد، حاکی از نقصان جدی در پرداخت عمیق به چالش‌های این بُعد از فضای مجازی است مضاف بر اینکه در ارائه راهکارهای برون‌رفت، کار خاصی صورت نگرفته است لذا این تحقیق در نوع خود نوآورانه و بدیع محسوب می‌شود.

## ضرورت‌های ساماندهی به فضای مجازی

مقام معظم رهبری در اول فروردین ۱۴۰۰ در خصوص ضرورت ساماندهی فضای مجازی فرمودند: «همه کشورهای دنیا، بر فضای مجازی، اِعمال مدیریت می‌کنند اما در کشور ما، برخی به رها بودن فضای مجازی افتخار می‌کنند، در حالی که این شیوه به هیچ‌وجه افتخار ندارد».

در استدلال کلی، ضرورت ساماندهی فضای مجازی، همان ضرورت ساماندهی فضای واقعی است و به همان دلایلی که باید از آسیب‌ها و مخاطرات فضای واقعی در حوزه‌های مختلف کاست و بی‌نظمی‌ها و آشفتگی‌ها را

سر و سامان و نظم و نسق داد تا عده‌ای فرصت طلب و مخاطره جو حق اکثریت را پایمال نکنند، به همان دلایل لازم است امورات فضای مجازی نیز تحت قواعد و ضوابط منطقی و قانونی قرار گیرد و گرنه شاهد سوء استفاده از این فضا در افزایش آسیب‌های اجتماعی و تبدیل شدن فرصت بزرگ فضای مجازی به تهدیدی بزرگ خواهیم بود و عده قلیل‌زیاده خواه و قانون گریز، منافع سایر ذینفعان را به مخاطره خواهند انداخت، منفعی که اعم است و شامل همه منافع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، بهداشتی، آموزشی، ... می‌شود.

در بیان تفصیلی قابل ذکر است: «فضای مجازی به ویژه شبکه‌های مجازی به‌رغم تسهیلاتی که برای زندگی بشر به ارمغان آورده است ذاتاً آسیب‌هایی نیز همراه داشته است جرایم جدید، بزهکاری‌ها، ناامنی‌ها و مسائل اخلاقی که امروز افراد با آن درگیرند بخشی از این تلخکامی‌ها است. چگونگی مواجهه با این موضوع و لزوم و نحوه مدیریت بر آن از اهمیت خاصی برخوردار است و همین امر موجب شده است حتی کشورهایی که خود را پیرو تحقق حداکثری تبعیض ناپذیری کاربری در فضای مجازی می‌دانند دغدغه‌هایی را در این زمینه بروز داده و تمهیدهایی را برای کاهش زیان‌های ناشی از سوء استفاده‌های احتمالی آن اتخاذ کنند» (رضایی‌ها و افشاری، ۱۳۹۷، ص ۳۲۰). بنابراین تهدیدهای فضای مجازی منحصر به ایران نیست بلکه در تمام جهان این دغدغه‌ها وجود دارد. برخی از ابعاد آسیب‌های برآمده از نابسامانی فضای مجازی عبارتند از: ۱. تهدیدهای امنیتی، ۲. تهدیدهای اقتصادی، ۳. تهدیدهای اجتماعی و فرهنگی.

تهدیدات امنیتی: مواردی همچون: انتشار یا در دسترس قرار دادن محتویات آموزش دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای، تحریف و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی؛ آموزش و تسهیل سایر جرایم رایانه‌ای؛ تبلیغ احزاب، گروه‌ها و فرقه‌های منحرف و مخالف با اسلام؛ تشکیل جمعیت، دسته، گروه در فضای مجازی (سایبر) با هدف برهم زدن امنیت کشور؛ اخلال در وحدت ملی و ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی؛ تحریک یا اغوای مردم به جنگ و کشتار یکدیگر، را شامل می‌شود (موضوع ماده ۳-۵ قانون جرایم رایانه‌ای). در جوامع توسعه یافته محتوای مطالب و پیام‌های کاربران در فضای مجازی رصد شده و با آسیبها و تهدیدات امنیتی به سرعت برخورد می‌شود. این در حالی است که در ایران با استفاده از فضای مجازی انواع و اقسام جرایم امنیتی صورت می‌پذیرد که شاید کمترین آن خرید و فروش غیرقانونی اسلحه گرم و مهمات باشد!

تهدیدات اقتصادی: شامل مواردی چون: جرایم اقتصادی سنتی به کمک پردازش داده‌ها، دسترسی غیرمجاز به سیستم‌های پردازش داده، پولشویی، سرقت و ناخنک زدن به حساب‌های دیگران، شرکت‌های هرمی، سرقت خدمات، کلاهبرداری از طریق دستکاری سیستم‌های پردازش داده، انتشار ویروس و خرابکاری کامپیوتری، فروش سلاح و سایر آلات و ابزار ممنوعه، است (موضوع ماده ۱۲-۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای). کشورهای توسعه یافته قوانین

دقیقی برای فعالیت‌های اقتصادی از طریق اینترنت و فضای مجازی دارند. خرید و فروش و تراکنش اقتصادی اینترنتی به‌طور شفاف ثبت و ضبط و قابل پیگیری است. حتی معاملات رمز ارزها از این قاعده مستثنی نیست و نیازمند ارائه مدارک هویتی معتبر خرید و فروش‌کنندگان است. مؤسسات مالی، پزشکی و درمانی، و دیگر حوزه‌هایی که با اطلاعات شخصی و خصوصی کاربران سروکار دارند با سختگیری‌های مضاعف قانونی مواجهند (سمیعی، ۱۴۰۰، ص ۳).

تهدیدات اجتماعی و فرهنگی: مواردی مانند: ترغیب یا دعوت به اعمال خشونت‌آمیز و خودکشی؛ تبلیغ و ترویج مصرف موادمخدر، مواد روان‌گردان و سیگار؛ تشویق، تحریک و تسهیل ارتکاب جرائمی که دارای جنبه عمومی هستند از قبیل اخلال در نظم، تخریب اموال عمومی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق مشروبات الکلی؛ معرفی آثار سمعی و بصری غیرمجاز؛ انتشار، توزیع و معامله محتوای خلاف عفت عمومی و تحریک و ترغیب و تشویق به آن؛ تجاوز به حریم خصوصی و استفاده ابزاری از تصاویر و محتوای شخصی افراد؛ انتشار محتوای معارض و مخالف با آموزه‌های دینی، در ذیل آن جای می‌گیرد (موضوع ماده ۱۴-۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای). کشورهای توسعه یافته مکانیزم‌های نظارتی برای پیشگیری و مقابله با آسیب‌ها و جرائم اجتماعی و فرهنگی در بستر فضای مجازی و اینترنت دارند. به‌عنوان مثال، از آنجا که برخی از انواع سوء استفاده جنسی از کودکان در کشورهای غربی غیرقانونی است، برخوردهای شدیدی با هرگونه پورنوگرافی کودکان یا هرگونه اغوای کودکان از طریق پیام‌رسان‌های اینترنتی صورت می‌پذیرد. در ایران این حوزه هم مورد غفلت واقع شده و انواع و اقسام ناهنجاری‌ها با استفاده از بستر فضای مجازی و اینترنت مجال رشد و گسترش در ابعاد وسیع پیدا می‌کند (سمیعی، ۱۴۰۰، ص ۵).

نتیجه آنکه، برای استفاده بهینه از فضای مجازی و نیز مقابله با آسیب‌های اجتماعی برآمده از آن، باید این فضا را ساماندهی کرد و به‌دها قانون برای تحقق این امر نیاز است، چنان‌که در بسیاری از کشورهای همسایه مانند ترکیه، پاکستان، هند، عربستان سعودی و روسیه قوانین مشخص و دقیق نسبت به فضای مجازی دارند و این موضوع به اندازه‌ای حساس است که اتحادیه اروپا با وجود اینکه در بسیاری از جهات با آمریکا هم‌پیمان است اما در فضای مجازی قوانین خاص خودش را دارد، یا اینکه آمریکایی‌ها - که انتهای تفکر لیبرالیسم<sup>۱</sup> هستند - به چینی‌ها اجازه ندادند که پلت فرم تیک‌تاک<sup>۲</sup> در آنجا فعالیت کند چراکه معتقد بودند امنیت ملی‌شان را تهدید می‌کند. جالب است که آمریکا بیش از ۲۰۰ قانون برای فضای مجازی دارد و حتی اگر رئیس‌جمهورشان بخواهد مردم را به شورش مدنی و اشغال‌کننده دعوت کند، به استناد همان قوانین حساب‌های کاربری رئیس‌جمهور مسدود می‌شود (یزدی‌خواه، ۱۴۰۰/۴/۱۲، کد پیام ۷۰۰۴۲).

1. Liberalism.

2. TikTok.

## چالش‌های اقدامات و قوانین حوزه فضای مجازی و راهکارهای برون‌رفت

اقدامات و سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته فعلی به نتیجه مطلوب نرسیده و نشان از مشکل، خلأ و نقصان در این حوزه دارد لذا در این فرصت به بررسی چالش‌های اصلی ساماندهی نشدن فضای مجازی متأثر از ضعف عملکردها و سیاست‌گذاری دستگاه‌های مربوطه پرداخته می‌شود:

### ۱. ساماندهی نشدن شبکه ملی اطلاعات

در دنیا بحثی در حوزه سایبر به اسم «حکمرانی فضای سایبر»<sup>۱</sup> وجود دارد و اولین دولت‌هایی هم که برای خودشان این حکمرانی را ایجاد کردند آمریکایی‌ها در سال ۱۹۹۸ میلادی بودند؛ حکمرانی فضای مجازی یعنی اینکه صفر تا صد این فضا قابل کنترل و مدیریت باشد مثلاً اروپایی‌ها از سال ۲۰۱۳ شبکه اروپایی خودشان را شروع به راه اندازی کردند و قانونی به اسم GDPR<sup>۲</sup> دارند، یا «استرالیا» شبکه ملی NVN را دارد؛ حتی کشور کوچکی مانند «رواندا»<sup>۳</sup> هم حکمرانی فضای مجازی را دارد. اما در کشور ایران حاکمیتی ضعیف در حوزه رسانه‌های داخل کشور دیده می‌شود که با سهل‌انگاری و مواجهه منفی برخی جریان‌های سیاسی، از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و امنیتی آن چشم‌پوشی می‌شود؛ شاید عبارت دقیق‌تر آن باشد که در کشور ما نه‌تنها فضای مجازی رهاست و حکمرانی بر آن وجود ندارد بلکه توسط عوامل بیرونی بر آن حکمرانی می‌شود. بنابراین باید حکمرانی فضای سایبر را داشت که لازمه‌اش داشتن یک گمرک مجازی برای داده‌های کشور است، طوریکه سرویس خارجی هم اگر بخواهد داخل کشور خدمات بدهد سرورهایش داخل کشور مستقر شود و یا در داخل کشور، نمایندگی و دفتر داشته باشد، از طرفی کلید رمز محتوایش در اختیار قرار گیرد تا قابل مدیریت باشد.

در همین راستا یکی از لوازم عمده و بسترهای اصلی تحقق حکمرانی، راه‌اندازی «شبکه ملی اطلاعات» است که طبق قانون برنامه پنجم توسعه، می‌بایست تا پایان سال ۱۳۹۵ به اتمام می‌رسید اما بر اساس آخرین گزارش مرکز ملی فضای مجازی، شبکه ملی اطلاعات ۸۰ درصد رشد داشته است که آن هم در بخش زیرساخت است از طرفی بنابر اظهارات مسئولان امر از وزارت ارتباطات سابق، شبکه ملی اطلاعات شامل سه لایه زیرساخت، خدمات و محتوا است و مسؤلیت تکمیل هر یک از این لایه‌ها را بخش‌های مختلف بر عهده دارند؛ حسب این اظهارات، تمام وظایف مربوط به شبکه ملی اطلاعات برعهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیست و این وزارتخانه

1. Cyberspace governance.

۲. مخفف عبارت General Data Protection Regulation به معنی «مقررات محافظت از داده‌های عمومی».

3. Rwanda.

صرفاً در بخش زیرساخت، مسئولیت محوری دارد؛ در دو لایه دیگر، دستگاه‌های دیگر نیز وظیفه دارد. لذا برای اجرای کل «شبکه ملی اطلاعات» باید اقدامات لازم در هر سه لایه و توسط سایر دستگاه‌های مسئول انجام شود (تربتی، ۱۳۹۸، ص ۲۵).

در مقام ارائه راه حل برون رفت، به نظر می‌رسد باید در وظایف قانونی وزارت ارتباطات تجدید نظر شود و قانونگذار با عنایت به اصل مدیریتی «فرماندهی واحد»، موضوع ساماندهی «شبکه ملی اطلاعات» را از صفر تا صد آن در هر سه لایه به وزارت ارتباطات تفویض نماید و با تصریح به ابعاد این امر، فرماندهی کار را به او واگذار و دستگاه‌های مربوطه دیگر را ملزم به همکاری با این وزارتخانه نماید. البته ناگفته نماند که از دستگاه‌ها انتظار می‌رود به اقتضای فرهنگ سازمانی، اخلاق حرفه‌ای و رسالت سنگینی که در جمهوری اسلامی بر دوش آن‌ها نهاده شده، دغدغه مند واقعی باشند و از عملکردها و اقدامات رفع تکلیفی بپرهیزند و احیاناً در مواردی که نیاز به هماهنگی با سایر دستگاه‌هاست به منظور سر و سامان دادن به امورات و مشکلات مردم، پیش قدم باشند و حتی اگر الزام قانونی بر آن نبوده و جزء وظایفشان نباشد، مادامی که منع قانونی وجود ندارد، در جهت اصلاح امورات و برنامه‌ریزی برای هماهنگی فعالیت‌ها با سایر دستگاه‌ها در جهت رفع آسیب‌ها و تهدیدها و سامان دادن به موضوعات محوله، کوشا باشند و منتظر ابلاغ و دستور نمانند.

اما سؤالی در اینجا مطرح است و آن اینکه، علت عدم اجرای شبکه ملی اطلاعات ولو به شکل ضعیف و ناقص چیست؟ چه اشکالی دارد که به شکل ناقص شروع شود و بعداً در حین اجرا، تکامل پیدا کند و ارتقا یابد؟ خصوصاً که بخش لایتغیر و ثابت شبکه همین لایه تمام شده است و دو بخش دیگر سیال و نسبی هستند چنان‌که وزیر ارتباطات دولت یازدهم گفته‌اند: «بلوغ شبکه ملی اطلاعات هیچ‌وقت تمام نمی‌شود، زیرا محتوا و ایده‌های خدمت‌رسانی به مردم هیچ‌وقت تمام نخواهد شد و در نهایت همان‌طور که شبکه ملی و دسترسی آزاد به اطلاعات به شبکه آمده‌اند، سایر دستگاه‌ها نیز باید خدمات خود را به شبکه وارد کنند» (واعظی، ۱ مرداد ۱۳۹۶، کد خبر: ۹۶۰۵۰۱۰۳۴۵) این بیان شاید دارای این مفهوم باشد که شرط لازم و کافی برای راه اندازی شبکه ملی اطلاعات، لایه زیرساخت است و نه سایر لایه‌ها، هرچند برای بهینه بودن و رغبت انگیزی برای کاربران، بایستی دو لایه دیگر نیز فعال شوند.

به‌منظور رفع برخی شبهات و ابهامات قابل ذکر است که؛ هدف از «شبکه ملی اطلاعات» ایجاد یک شبکه یکپارچه قوی و سراسری در سطح کشور برای تأمین پهنای باند وسیع، سهل‌الوصول و تأمین زیرساخت کاربری‌های متعددی نظیر دولت الکترونیکی، تجارت الکترونیکی، آموزش الکترونیکی، سلامت الکترونیکی، ارائه خدمات بر خط الکترونیکی، بانکداری الکترونیکی، ایجاد شبکه‌های کنترل و مراقبت الکترونیکی علاوه بر خدمات سرگرمی و تفریحات و بسیاری از موارد دیگر مطرح در سطح دنیا است. درحقیقت این شبکه متشکل از مراکز داده ملی،



زیرساخت‌های ارتباطی و همچنین خدمات نرم‌افزاری است که در سراسر کشور مستقر شده و خدمات دولت، آموزش و سلامت الکترونیکی و خدمات متنوع رفاهی و اجتماعی را از طریق زیرساخت باند پهن سراسری همچون بستر فیبرنوری به عنوان پرطرفیت‌ترین زیرساخت ارتباطی موجود و با پهنای باند بالا بین دو تا صد مگابیت بر ثانیه به مردم ارائه می‌کند. با راه‌اندازی این شبکه ظرفیت انتقال اطلاعات کشور چندین برابر شده (پیش‌بینی تا هشت برابر) و با توجه به این که پهنای باند مورد نیاز داخل از پهنای باند دسترسی به شبکه جهانی اینترنت تفکیک می‌شود، محدودیت سرعت دسترسی به اینترنت نیز از روی کاربران برداشته می‌گردد. در نتیجه راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، بسیاری از خدمات و فناوری‌های باند پهن همانند خدمات الکترونیکی عمومی را در کنار خدمات دیگر چون IPTV، ویدئو کنفرانس، بازی برخط و تحت شبکه، مشاهده فیلم با کیفیت HD، VoIP و مانند آن را در کشور امکان‌پذیر خواهد شد. در عین حال، توسعه این شبکه باعث کاهش هزینه‌های خرید پهنای باند، افزایش امنیت اطلاعات ملی، توسعه تجهیزاتی و اطلاعاتی، تبدیل شدن به‌هاب و شاه راه انتقال اطلاعات منطقه، توسعه نرم‌افزاری و امثال آن نیز می‌شود. نکته آخر اینکه چون این شبکه بستر ارائه خدمات دولت الکترونیکی به مردم خواهد بود، لذا تمامی شبکه‌های ملی (اینترنت‌ها) همچون شبکه علمی، اینترنت مدارس، بانک‌ها، کنترل ترافیک، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، سازمان‌ها و اداره‌ها، شبکه علمی کشور و امثال آن، به هم متصل شده و به صورت یکپارچه عمل خواهند کرد.<sup>۱</sup> قابل ذکر است؛ از آنجا که به لحاظ فنی، شبکه ملی اطلاعات بر مبنای پروتکل<sup>۲</sup> اینترنت است، در نتیجه از نظر نوع آدرس‌دهی و دسترسی سازگار با اینترنت جهانی بوده و این امکان را می‌دهد تا کاربران علاوه بر دریافت خدمات ملی، در صورت نیاز، از خدمات اینترنت جهانی نیز بهره‌مند شوند. این دسترسی کاملاً کنترل و مدیریت شده بوده و متضمن نیازهای مختلف کشور است. از طرفی بررسی‌ها نشان می‌دهد در فضای سایبری، حدود نود درصد ارتباطات و تبادل اطلاعات، در داخل کشور صورت می‌گیرد (مبدأ و مقصد ارتباطات داخل کشور هستند) و تنها کمتر از ده درصد باقی مانده در مقیاس بین‌المللی هستند. لذا توسعه شبکه ملی اطلاعات با تامین پهنای باند وسیع، سهل‌الوصول و به خصوص ارزان قیمت بودن آن، بستر بسیار خوبی برای توسعه فناوری اطلاعات و به تبع آن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور است (حاتمیان، ۱۳۹۴/۲/۱۹، ص ۱۰-۱۲).

البته در پایان قابل ذکر است که، هرچند شبکه ملی اطلاعات نقش محوری و اصلی در تحقق حکمرانی فضای مجازی است ولی لوازم دیگری نیز دارد که اگر نباشند حتی با وجود آن، حکمرانی فضای مجازی محقق نمی‌شود؛

۱. ر.ک: قوانین مصوبه دوم شورای عالی فضای مجازی: «تعریف و الزامات حاکم بر تحقق شبکه ملی اطلاعات و بودجه سال ۱۳۹۳ مرکز ملی فضای مجازی»، ابلاغ در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۲.

2. protocol.

لوازمی چون داشتن جست‌وجوگر قوی داخلی، داشتن پیام‌رسان داخلی قدرتمند، داشتن ایمیل داخلی، خدمات مراکز داده مانند میزبانی و ذخیره‌سازی داده یا همان خدمات ابری، خدمات نام و نشانه‌گذاری با تأکید بر خط و زبان فارسی، مراکز تبادل پیام و اطلاعات، بحث روتینگ (انتخاب شدن مسیر مناسب داخلی برای بسته‌های ارسالی)، ... .

## ۲. عدم بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند

کشور ایران در شبکه‌های اجتماعی نه تنها فیلترینگ هوشمند ندارد بلکه خود در فیلترینگ حسابی و هوشمند دشمن است؛ به عنوان مثال اگر از مردم آمریکا راجع به داعش پرسیده شود که «داعش را چه کسی ساخت؟» می‌گویند ایران! این، فیلترینگ حسابی است که افراد را در یک حساب قرار می‌دهد. <sup>۱</sup> AR یا همان هوش مصنوعی، دنیا را براساس هوش مصنوعی تغییر می‌دهد و مدیریت می‌کند. در موضوع فیلترینگ، هوش مصنوعی از فیلترینگ رایج خیلی پیشرفته‌تر عمل می‌کند چنان‌که در فیلترینگ رایج مثلاً یکسری کلمات و عبارات به سیستم داده می‌شود، آنگاه هر پیامی، حاوی یکی از این کلمات بود حذف می‌شود اما با استفاده هوش مصنوعی، کامنتی که کلمات توهین آمیز ندارد ولی محتوای توهین آمیز دارد نیز درک می‌شود و اجازه استفاده از آن داده نمی‌شود لذا حتی اگر در آن متن هیچ‌گونه فحاشی صورت نگرفته و هیچ کلمه توهین آمیزی دیده نشود، هوش مصنوعی بار معنایی آن جمله را درک می‌کند. این کار توسط اینستاگرام<sup>۲</sup> و برای اهداف خودش در حال اجراست. البته در کشور ما هوش مصنوعی اینستاگرام از نظم حریم خصوصی هم فراتر رفته و عملاً حکمرانی می‌کند<sup>۳</sup> چنان‌که صفحه حذف می‌کند، پست حذف می‌کند، در ماه رمضان واژه فستینگ<sup>۴</sup> (رژیم روزه داری متناوب) را اسکن می‌کند و هشدار می‌دهد که ممکن است این هشتمک به مرگ کاربر منجر شود یا گوگل<sup>۵</sup> برنامه از گوشی مخاطبان حذف می‌کند؛ یا در توئیتر<sup>۶</sup> دشمن هشتمکی توئیت می‌کند و منجر به آزادی یک زندانی از زندانهای ایران می‌شود، بدین صورت که در اقدامی هماهنگ، حقوق بشر می‌گوید طبق قوانین بین‌المللی! توئیتر محبوبیت فلان را دارد و اگر جمهوری اسلامی آزادش نکند تحت تحریم‌های فلان قرار می‌گیرد! یا در جستجوی اینستاگرام در گوشی‌ای که تازه خریده شده محتوای کاملاً هدفمند برای افراد آورده می‌شود!

.....  
۱. مخفف Artificial Intelligence

2. Instagram.

۳. لازم به ذکر است که این مداخلات صرفاً با الگوریتم‌های هوش مصنوعی نیست و بر اساس گزارشات کاربران و لیست‌های سیاه و سفید نیز بعضاً عمل می‌شود.

4. intermittent fasting diet.

5. Google.

6. Twitter.

به هر حال بحث Fake news (داده‌های جعلی) خیلی مهم است؛ در کشور ایران جلوی Fake news گرفته نمی‌شود چون حکمرانی فضای مجازی نیست، درحالی‌که بیانیه اتحادیه اروپا می‌گوید Fake news می‌تواند حکمرانی کشورها را سرد کند، چنان‌که توئیتر در سال ۱۳۹۷ موتور برای شناسایی Fake news و البته طبق استانداردهای خودش راه انداخت که تا سال ۱۳۹۸ یک میلیون و دویست هزار حساب کاربری Fake news تشخیص داده شده و بسته شدند و در این بین نزدیک سه تا چهار هزار اکانت<sup>۱</sup> پر مخاطب کاربران ایرانی مذهبی و انقلابی در توئیتر مسدود شدند. لذا از حیث فرهنگی، راه حل این نیست که به این فضا هجوم آورده شود تا مثلاً با محتوای مناسب اشغال شود چون با فیلترینگ حسابی و هوش مصنوعی و با دیتاهایی<sup>۲</sup> که قبلاً از کاربران گرفته، دقیقاً آن‌ها را شناسایی نموده و در لحظه حذف می‌کند.

متأسفانه حسب اذعان وزارت ارتباطات سابق، اقدام مؤثری در مورد فیلترینگ هوشمند به دلیل هزینه بالای آن! صورت نگرفته است (تربتی، ۱۳۹۸، ص ۲۷).

طبیعتاً بحث «فیلترینگ هوشمند» بایستی در راستای رویکرد مداخله‌گرایانه فعال که توضیحش خواهد آمد، تفسیر شود و خصوصاً در مورد آسیب‌های اجتماعی و تهدیدات فرهنگی، با احترام گذاشتن به حریم خصوصی کاربران و تفسیر حداکثری از مصادیق و قلمرو حریم خصوصی همراه باشد و تا جایی که ضرورت ایجاب نمی‌کند (با تفسیر موسع از «ضرورت»)، از فیلترینگ (اعم از هوشمند و غیر آن) اجتناب شود. بی‌گمان در حوزه فرهنگی برای رفع تهدیدات، باید به سراغ ریشه‌ها و علت‌های اولویت‌دار دیگری رفت که خارج از فضای مجازی هستند و گرنه منجر به بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی نظام در همراه ساختن مردم برای ساماندهی فضای مجازی می‌شود.

### ۳. ضعف پیام‌رسان‌های داخلی

محتوایی که از طریق پیام‌رسان‌های خارجی منتشر می‌شود امکان ردیابی و نظارت بر آن پائین است و با تمام توان دستگاه‌ها و متخصصین زبده، اشراف بر آن به حدود ۱۰ - ۲۰ درصد می‌رسد، خصوصاً که در کشور ایران و در حال حاضر پیام‌رسان‌های خارجی، به مانند مؤسسات فرهنگی خارجی هستند که تأسیس شده ولی نه مجوز دارند و نه ضوابط را اجرا می‌کنند و وقتی خواسته می‌شود موضوعی را حذف کنند اقدامی نمی‌شود. جالب اینکه یکی از علل عدم تحقق شبکه ملی اطلاعات، ضعف پیام‌رسان‌های داخلی اعلام می‌کنند درحالی‌که در مصوبه سال ۱۳۹۵ مرکز ملی فضای مجازی، وزارت ارتباطات به عنوان متولی اصلی اجرای شبکه ملی اطلاعات مشخص گردیده و انتظار می‌رفت که از آن زمان این موضوع پیگیری عملیاتی شود و در اولین فرصت با تمهید بسترهای لازم به سرانجام برسد همچنان‌که

1. Account.

2. Data (به معنی داده)

در جلسات کمیته تعیین مصادیق مجرمانه، از سال ۱۳۹۲ که موضوع شبکه‌های اجتماعی خارجی مطرح بوده تأکید جدی و اولیه بر این بوده که وزارت ارتباطات پیام‌رسان‌های داخلی را به حدی حمایت و تقویت کند که بتواند حجم درخواست‌های داخلی را پوشش دهند. در همین راستا با تصویب فیلتر تلگرام<sup>۱</sup>، قرار شد اولاً از پیام‌رسان‌های داخلی حمایت شود و در ثانی پلاگرام و هاتگرام به عنوان دو پوسته ایرانی برای دوران گذار، کمک حال کوچ کاربران از تلگرام به شبکه‌های اجتماعی داخلی باشند ولی عملاً چنین نشد چنان‌که ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ تلگرام فیلتر شد و قرار بود تا آخر خرداد تلگرام طلایی و هات گرام<sup>۲</sup> نقش فیلترشکن را بازی کنند که مردم سمت VPN و فیلترشکن نروند اما از خرداد به شهریور، از شهریور به آذر و از آذر تا خرداد ۱۳۹۸ تمدید شد، نتیجه آن شد که قبل از اینکه ما فضا را دست بگیریم خود گوگل ما را حذف کرد! (در واقع دوران گذاری شد برای گوگل و تلگرام که آن‌ها خود را بروزرسانی و تقویت کردند و وقتی دیدند فیلترشکن‌های مورد نیاز فراهم شده و در دسترس مردم قرار گرفته، تصمیم به حذف پوسته گرفتند.) توضیح بیشتر آنکه؛ در سال ۱۳۹۷ تلگرام ۳۰۰۰ سرور برای ایرانی‌ها داشت و در ارزیابی‌ای که صورت گرفت برای آن که سرویسی بتواند مانند تلگرام پاسخگو باشد باید مطابق ارزش پول آن زمان، حداقل معادل ۳۰۰ میلیارد تومان بودجه و امکانات می‌داشت، این در حالی است که اولاً، صرفاً ۱۰ سرور برای پیام‌رسان‌های داخلی فراهم آمد و ثانیاً، تنها وام ۵ میلیاردی - که همه پیام‌رسان‌ها هم آن را دریافت نکردند - به تعدادی از پیام‌رسان‌ها پرداخت شد! البته بهترین کار به جای پرداخت وام، اعطای زیرساخت، سرور و امکانات سخت‌افزاری بر اساس میزان رشد هر یک از پیام‌رسان‌ها بود که انجام نشد (عبداللهی، ۱۳۹۹، ص ۱۰).

در همین راستا قابل ذکر است اگر مردم مجاب نشدند از پیام‌رسان‌های داخلی استفاده کنند یکی از دلایل اصلی اش مشکل در فراهم ساختن زیرساخت فنی بود و نیازمندی‌های مردم تهیه نشد و اینکه گفته شود مردم خودشان اقبال و تمایل نداشتند یا از مخدوش شدن حریم خصوصی می‌ترسیدند کلیت ندارد و حرف درستی نیست؛ زیرا همین که نزدیک سی و پنج میلیون نفر روی پلاگرام و هاتگرام آمدند، دفع این استدلال می‌کند و گویای این مطلب است که عمده مردم نیازمند خود خدمات هستند و اولویتشان بهره‌مندی از امکانات و خدمات شبکه‌های اجتماعی است (هرچند این موضوع و هجوم مردم به پیام‌رسان‌های داخلی با بسته شدن تلگرام، نشانه اعتماد نیز نمی‌تواند باشد). لذا لازم است سند حمایت از پیام‌رسان‌های اجتماعی به‌طور همه جانبه اجرا شود؛ این سند را شورای عالی فضای مجازی در شهریور ۱۳۹۶، مصوب نموده و سند مطلوبی است. در این سند برای دستگاه‌های مختلف، وظایف متنوعی در نظر گرفته شده بود اما برخی دستگاه‌ها بعد از تصویب پای کار نیامدند!<sup>۳</sup>

1. Telegram.

2. Hotgram.

۳. مصوبه شورای عالی فضای مجازی با موضوع «سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی»، مصوب ۱۳۹۶/۵/۱۱.

در همین راستا لازم به ذکر است آنچه برای پیام‌رسان‌های خارجی نیز اولویت دارد منافع مادی شان است که از طریق فعالیت کاربران در آن فضا حاصل می‌شود، منافعی که با جمع‌آوری اطلاعات کاربران و فروش بیگ دیتاها تا تراکنش‌های مالی که توسط یک پیام‌رسان صورت می‌گیرد یا استخراج و فروش رمز ارزهای مجازی توسط یک پیام‌رسان (مانند ارز دیجیتال گرام)، حاصل می‌شود؛ لذا در اینجا نیز با اتخاذ رویکرد فعال و دوری از مواجهه منفعلانه، بدون اینکه نیازی به بستن پیام‌رسان‌های خارجی باشد، می‌توان با برقراری موازنه قدرت از طرق مختلف (همچون تأثیرگذاری بر منافع آن‌ها با کاهش کاربران، تراکنش‌ها، تولید نرم افزارهای رقیب، ...) آن‌ها را ملزم و مجاب به تبعیت، رعایت و همراهی با سیاست‌های خود نمود و این مسیری است که در تمام دنیا پیموده می‌شود. در واقع، در مواجهه با رقیب یا دشمنی که قوی است هیچ راهی جز قوی شدن وجود ندارد و هیچ ضمانت اجرایی برای در امان بودن از آسیب‌ها و مخاطرات رقیب و دشمن، بهتر و کارسازتر از قوی تر شدن نیست؛ در حوزه فناوری نیز موضوع غیر از این نمی‌باشد؛ با بستن و محروم کردن و محدود کردن و مانند این موارد که البته در جای خود (در مواقع ضروری و به میزان حداقلی) لازم است، نمی‌توان جلو ورود آن و هجوم‌های ناشی از آن را گرفت همچنان‌که در آینده‌ای نزدیک، با ماهواره‌ای شدن اینترنت (با تکمیل شبکه ماهواره‌ای در فضا)، بحث از شبکه ملی اطلاعات نیز بی‌معنی خواهد بود مگر برای آنهایی که قوی شده‌اند و در این میدان بازی، بازیگر فعال هستند و رقیب و دشمن از ترس ضربه خوردن، از ضربه زدن به آن‌ها و شبکه ملی اطلاعات آن‌ها می‌پرهیزد؛ آری صرفاً در چنین وضعیتی می‌توان به شبکه ملی اطلاعات امید بست و از آن بهره جست و گرنه، محکوم به شکست خواهیم بود.

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

#### ۴. مشکلات و موانع اثربخشی سامانه شاهکار

یکی از ابزارهای کنترلی مؤثر، مسیر ارتباطات سیار یا همان سیم کارت‌هاست؛ چون هر محتوایی و هر ارتباطی ناچار از مسیر سیم کارت فراهم می‌آید و اگر سیم کارت‌های مربوط به محتوا شناسایی و نظارت شوند مقداری از وضعیت قابل مدیریت خواهد بود؛ البته مدیریت هوشمند و نه کلاسیک انسانی، همچنان‌که در سال ۱۳۹۷ در کمیته تعیین مصادیق مجرمانه ۶ هزار ادمن<sup>۲</sup> کانال‌ها و پیج‌های مسئله دار به دستگاه‌های انتظامی و امنیتی اعلام شد ولی عملاً کاری روی آن‌ها صورت نگرفت؛ دلیل ذکر شده عمدتاً بحث احراز نشدن هویت آن‌ها بود. اما حقیقت آن است که اقدام موردی و تشکیل پرونده قضائی و پلیسی وقتش گذشته و حتی فیلترینگ رایج نیز دیگر منسوخ شده و بستن آب باریکه‌های فساد از این طریق در برابر پمپاژ جریان‌های قوی فساد، هدر دادن وقت و

1. Big Data (به معنی کلان‌داده)

2. Admin (به معنی مدیر)

امکانات است باید فضا از طریق هوش مصنوعی طوری مدیریت شود که اساساً این همه محتوای فاسد در آن امکان بروز و ظهور نداشته باشد و دسترسی به محتوای فساد به حداقل برسد.

این مطلب به معنی لزوم احراز هویت همه سیم کارت‌ها و بستن سیم کارت‌های مجهول الهویه است زیرا حتی لازمه مدیریت هوشمند و اقدامات ایجابی نیز همین احراز هویت است. جالب توجه است که در فضایی مثل اینستاگرام، روزانه ۲۵۰ میلیون محتوا در سال ۱۳۹۸ منتشر می‌شد و از این میزان اگر ۵ درصدش هم محتوای مجرمانه باشد حدود ۱۲.۵ میلیون محتوای مجرمانه می‌شود و در این ۱۲.۵ میلیون، شناسایی و برخورد با ۶ هزارتا اصلاً رقمی نیست! تازه بر فرضی که همه ۶ هزار آدرس شناسایی شده باشد! زیرا برخی وقت‌ها فقط یک شماره تلفن از سیم کارت مربوطه وجود دارد، یا صرفاً کد ملی طرف با آدرسی اشتباهی؛ لذا ناچاراً مجموع ۶ هزار سیم کارت متخلف معرفی شده از سوی وزارت ارتباطات، توانست آدرس فیزیکی حدود پانصد مورد را بیابد و از آن تعداد هم باز فقط یک تعداد قلیلی منجر به تشکیل پرونده و شناسایی کامل شد. بنابراین باید کاری کرد که محتوای ناسالم یک هزارم درصد و کمتر از آن باشد و آنگاه با آن تعداد قلیل مقابله سلبی نمود. چنان‌که فیلترینگ رایج اعمال می‌شود و زیاد هم هست و دستگاه‌های مسئول آن‌ها را می‌بندند ولی دوباره باز می‌شود! مثلاً بواسطه ابزارهای تکنولوژیکی آدرس را عوض می‌کنند! بنابراین باید سیم کارت‌های فاقد هویت، تعیین تکلیف شوند؛ وزارت ارتباطات در سال ۱۳۹۸ اعلام می‌کرد «ما تقریباً به صفر رسانده ایم یا نزدیک به صفر است» و زحمت زیادی کشیده بودند اما شناسایی سیم کارت‌ها با هویت‌هایی که بعضاً اتباع بیگانه بودند (شخصی برای سیاحت یا زیارت وارد کشور شده و شماره‌ای را خریداری کرده و بعد از رفتنش از کشور هنوز آن شماره در دست شخص دیگری فعال بود)، یا بعضاً آدرس دقیق نبود، یا یک نفر مثلاً چندین هزار عدد سیم کارت خریداری نموده و هر کدام دست یک شخصی است! جالب اینکه یک شخص قبلاً می‌توانست با در دست داشتن یک کپی از کارت ملی هر فردی (بدون اینکه تطبیقی صورت گیرد) هر تعداد سیم کارت را خریداری کند! (عبداللهی، ۱۳۹۹، ص ۱۱-۱۲)

در این راستا، به منظور احراز هویت سیم کارت‌ها سامانه شاهکار در وزارت ارتباطات راه اندازی شد و از مبادی امنیتی و کمیته مصادیق نیز درخواست شده بود تا متصل شوند؛ در نتیجه رصد سیم کارت‌ها به صورت نظام آنلاین فراهم آمده و در اختیار پلیس قرار گرفت. قبلاً اطلاعات به صورت یکپارچه نبود و دسترسی «برخط» نبود که از طریق سامانه شاهکار این انجام شد؛ قبلاً وقتی پلیس تخلف یک سیم کارتی را تشخیص می‌داد مراجعه می‌شد به اپراتور<sup>۱</sup> آن سیم کارت و یک ماه بعضاً طول می‌کشید تا اطلاعات سطحی صاحب سیم کارت پیدا شود بعضاً هم در نمی‌آمد، با سامانه شاهکار صفحات یکپارچه و بر خط شده در اختیار دستگاه‌های مربوطه قرار گرفت و امکان این

.....  
1. Operator (به معنی گرداننده، عامل، متصدی)

فراهم آمد تا استعلام کنند که صاحب سیم کارت و مشخصاتش چه کسی است. البته سیم کارت‌هایی که قبلاً فروخته شده بودند و به نوع g3 یا g4 ارتقاء نیافته‌اند تحت کنترل نیستند. گرچه وزارت ارتباطات برای شناسایی سیم کارت‌های قبلی غیرفعال نیز اقداماتی انجام داد (عبدلهی، ۱۳۹۹، ص ۱۳).

در خصوص آنچه ذکر شد، فارغ از واقعی نبودن بخشی از احراز هویت‌ها، چند ملاحظه دیگر وجود دارد:

۱. باید ضمن احراز هویت واقعی صاحبان سیم کارت‌ها، از جنبه قانونی نیز شخصی که سیم کارت به اسمش هست مسئول محتوای آن شناخته شود؛ همچنین هیچ کس حق نداشته باشد سیم کارتی را که به اسمش نیست استفاده کند و گرنه در صورت اثبات، شخص استفاده‌کننده و صاحب سیم کارت هر دو مسئول خواهند بود.

۲. برخی از شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام بدون ثبت شماره از افراد و بدون احراز هویت واقعی، امکان فعالیت را به آن‌ها می‌دهند؛ در چنین مواردی طبیعی است که سامانه شاهکار نتواند پاسخگو باشد و احراز هویت محتواها در این موارد صرفاً از طریق شبکه ملی اطلاعات قابل انجام است و لاغیر.

۳. بخشی از تخلفات از طریق تلفن‌های ثابت و اینترنتی و مانند آن اتفاق می‌افتد و حال آنکه در حال حاضر بانک اطلاعات دقیقی در خصوص تلفن‌های ثابت نیست همچنان‌که اکثر آن‌ها در سامانه ۱۱۸ به روز ثبت نشده‌اند و اطلاعات کاربری شان موجود نمی‌باشد.

۴. با اذعان به ضروری بودن احراز هویت سیم کارت‌های فعال در فضای مجازی، متأسفانه برنامه ریزی غلط در فیلتر تلگرام و ناهماهنگی دستگاه‌ها، سبب وارد شدن فیلترشکن‌ها در گوشی‌های همراه شد که نتیجه اش غیر قابل شناسایی شدن سیم کارت‌ها از اساس شد (بدلیل استفاده از فیلترشکن‌ها) ضمن اینکه سبب بی‌اثر شدن فیلترینگ و پایین آمدن قدرت چانه‌زنی نظام در مواجهه با پیام‌رسان‌های متخلف گردید (دست حاکمیت از ابزار تهدید پیام‌رسان‌های متخلف نسبت به فیلتر کردن آن‌ها و از دست دادن کاربران‌شان، خالی شد زیرا با رواج فیلترشکن، فیلترینگ از اساس بی‌اثر گردید).

۵. سبک زندگی جدید با سیم کارت و خدماتی که از طریق ارتباط سیم کارت با فضای عظیم مجازی حاصل می‌شود تعریف شده و لذا مسدودسازی سیم کارت باید آخرین اهرم و ابزار حاکمیت و در حد ضرورت باشد وگرنه سبب اصلاح نشده بلکه با دفع افراد از نظام، افسادش بیشتر از اصلاح خواهد بود.

## ۵. رها بودن فیلترشکن‌ها و عدم برخورد مؤثر با وبسایت‌های متخلف

فیلترشکن‌ها از چند جهت اهمیت دارند اولاً مجرای ورود در دنیایی از فضای ناامن به لحاظ اخلاقی، اقتصادی، امنیتی و... هستند که برای کاربران به شدت مضر و خطرناک است؛ ثانیاً شناسایی هویت کاربر را تقریباً

غیرممکن می‌سازند (شناسایی هویتی که ای پی خارجی دارد برای دستگاه‌های نظامی و امنیتی خیلی سخت و در حد غیرممکن است)؛ ثالثاً مجرای دستیابی دشمن به اطلاعات ذیقدر کاربران و ساماندهی آن‌ها در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی و... بر علیه منافع کشور است رابعاً ترافیک قاچاق کشور را افزایش می‌دهد و خود این، زمینه افزایش هرگونه جرمی است.

بنابراین یک تکلیف بسیار مهم بحث مقابله با VPN یا فیلتر شکن‌هاست که حسب اظهارات معاون فضای مجازی وقت دادستانی کشور در سال ۱۳۹۷: «وزارت ارتباطات مسئول مقابله با فیلترشکن‌ها بود اما به آن عمل نکرد این وظیفه، بنابر مصوبه شورای عالی فضای مجازی است» (جاویدنیا، ۱۸ اسفند ۱۳۹۷، کدخبر: ۹۴۲۹۳۹).

در این راستا کمیته تعیین مصادیق مجرمانه در سال ۱۳۹۸، ۱۸۳ هزار آدرس وی پی پی ان وی پی وی پی و پروکسی به وزارت ارتباطات اعلام کرده بود که از مجموع اینها صرفاً ۱۰۰۰ مورد مسدود شد! همچنین برخورد با وبلاگ‌ها<sup>۱</sup> و وب سایت‌های<sup>۲</sup> متخلف بر عهده وزارت ارتباطات است. وبلاگ‌ها و وبسایت‌های متخلف - هرچند با رونق شبکه‌های اجتماعی خیلی کمتر شده‌اند لیکن باز - در بحث فیلم، فعال هستند و متأسفانه به دلیل عدم شناسایی «هاستینگ»های<sup>۳</sup> آن‌ها و شناسنامه دار نبودن آنها، بجای «هاست» سایت، «دامین»<sup>۴</sup> سایت فیلتر می‌شود لذا چون هاستش فیلتر نیست دوباره به شکلی دیگر و در قالبی دیگر با دامین جدید استفاده می‌کند ولی اگر هاستش شناسنامه داشت به او رسماً ابلاغ می‌شد (در حال حاضر هاست بخشی از سایت‌ها داخل کشور است و اگر شبکه

.....  
1. Weblog.

2. Website.

۳. Host به معنی میزبان است و به محیط مجازی اطلاق می‌شود که بر روی یک سرور برای یک سایت تدارک دیده شده است در واقع فضایی است که به یک حساب کاربری در یک سرور امن و مطمئن روی شبکه اینترنت در مراکز داده اختصاص داده می‌شود. که میتوان در این حساب کاربری سرویس‌های مختلفی از میزبانی وبسایت تا ایمیل و... دریافت کرد. پردازش ابری و میزبانی و خدمات داده نیز از طریق همین صورت می‌گیرد و در واقع یک چیز هستند منتها هاست ابری داریم و غیر ابری؛ تفاوت عمده هاست‌های ابری نسبت به سایر هاست‌ها پایداری و سرعت بیشتر به دلیل نرم افزارها و سخت افزارهای استفاده شده در این سرویس‌ها می‌باشد، مانند استفاده از وب سرور لایت اسپید و هاردهای پر قدرت و سریع SSD تفاوت عمده دیگری که در هاست‌های ابری وجود دارد این است که کاربر می‌تواند به صورت زنده مصرف خود را از منابع سرور شامل رم، سی پی یو و... مشاهده نماید.

۴. Domain، آدرس وب سایت در دنیای اینترنت است. همان آدرسی که در مرورگر خود برای ورود به هر سایتی وارد می‌شود. دامین از دو بخش اصلی تشکیل شده است: نام دامنه و پسوند آن. پسوند‌های بین‌المللی رایج عبارتند از .com، .net و .org که دارای مصارف عمومی می‌باشند و هر یک به ترتیب معرف سایت‌های تجاری، شبکه و سازمانی یا غیر انتفاعی می‌باشند. دامین نشان دهنده برند و نوع فعالیت فرد است.



ملی اطلاعات راه اندازی شود در آن فضا همه‌هاست‌ها در دسترس و داخل کشور خواهند بود<sup>۱</sup> در چند سال اخیر سایت‌های متخلفی که فیلتر می‌شوند ضمن اینکه درصد پائینی از سایت‌ها را دربر می‌گیرند، آن سایت‌ها هاستینگ خود را عوض و در قالب سایت جدید فعالیت می‌کنند و تا دوباره گزارشی جدید از فعال بودن سایت متخلف جدید نباید سایت متخلف دوباره و برای مدتی با عوض کردن سایت یا ... کار خودش را ادامه می‌دهد (تربتی، ۱۳۹۸، ص ۳۴).

ضمناً قوانینی که وجود دارد ضعیف بوده و قابلیت تفسیرهای مختلف را دارند مثلاً اگر «دعوت به فساد و فحشا» همان «تحریک به فساد و فحشا» در نظر گرفته شود آن چیزی که در قانون برای مجازات «تحریک به فساد و فحشا» تعیین شده دو میلیون تومن جریمه نقدی است و اگر بخواهد در ذیل عنوان «اشاعه فساد و فحشا» تعریف شود باز بحث‌های زیاد قضایی در کنارش مطرح می‌شود که آیا این در محیط عمومی بوده یا در محیط محدود گروهی؟! آیا اشاعه فساد و فحشا محسوب می‌شود یا نمی‌شود؟! در حالیکه در کشورهای دیگر ضوابط محکمی برای این حوزه دارند. اساساً تدوین قوانین به روز برای فضای مجازی کشورمان لازم است، قانون تجارت الکترونیکی مال سال ۸۲ و قانون جریمه‌های رسانه‌ای مال سال ۸۸ است در حالیکه از سال ۸۸ تا به الان پنج تا انقلاب در فضای مجازی رخ داده است! بحث اینترنت نشنال هست یا بحث داده کاوی اطلاعات است که یک صنعت بسیار گسترده شده و شاید جزء پنج صنعت برتر آینده اقتصاد دنیاست (تربتی، ۱۳۹۸، ص ۳۴-۳۵).

## ۶. فقدان آینده نگری نسبت به معضلات شماره‌های مجازی یا MVNO

شماره مجازی یکی از امکاناتی است که با استفاده از آن می‌توان بدون داشتن سیم کارت، از شماره تلفن همراه یک کشور دیگر، بهره مند شد. این شماره تلفن، بسته به نوع سرویسی که از آن استفاده می‌شود، ممکن است دارای امکانات متفاوتی از جمله توانایی ارسال و دریافت پیامک، توانایی برقراری تماس، دریافت تماس و غیره باشد. شماره مجازی در واقع یک شماره تلفن است که وجود حقیقی نداشته ولی در عین حال می‌تواند بسیاری از امکاناتی که یک شماره تلفن واقعی در اختیار کاربران خود می‌گذارد را ارائه دهد (باید برای استفاده از سرویس‌های شماره‌های مجازی به اینترنت متصل شد). به این ترتیب بدون نیاز به سیم کارت یک اپراتور، می‌توان به سادگی و با فعال کردن یک اکانت در برنامه‌ها و وبسایت‌های ارائه دهنده شماره مجازی، شماره مجازی مورد نظر خود را فعال نمود (البته با نصب اپلیکیشن<sup>۲</sup> یا همان برنامه مربوطه). لذا می‌توان با نصب اپلیکیشن مخصوص یا استفاده از نرم

.....  
۱. در حال حاضر غالب سایت‌های مسئله‌دار هاستینگ خارجی دارند زیرا در صورت وجود هاست در داخل کشور، کاملاً قابل رصد و شناسایی‌اند.

2. Application.

افزارهای مربوطه، به سادگی و بدون پرداخت هزینه، اقدام به ساخت یک شماره مجازی دلخواه نمود.

این شماره‌ها باید مستقیماً از تولیدکنندگان آن‌ها خریداری شده و قابل مدیریت از طریق پرتال در وب هستند. استفاده‌کنندگان از این شماره می‌توانند مقصد اصلی آن را مشخص کرده (شماره کدام کشور باشد) و در صورت نیاز به صورت لحظه‌ای و بلادرنگ به تغییر آن نیز بپردازند. شماره‌های مجازی رایگان معمولاً موقت و یکبار مصرف هستند اما برای ثبت آن شماره و یا تمدید آن باید هزینه‌ای پرداخت شود.

داشتن شماره تلفن مجازی می‌تواند مزایا و کاربردهای بسیار فراوانی داشته باشد: اولین و مهمترین کاربرد، ایجاد همزمان چند اکانت متفاوت در شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های پیام‌رسانی است که برای ساخت حساب در آن‌ها حتماً نیاز به یک شماره تلفن مجزا می‌باشد. اگر برای هر اکانت یک سیم کارت تهیه شود هزینه زیادی را باید پرداخت کرد خصوصاً اگر اکانتی باشد که با یک شماره خارجی فعال شده است. از طرف دیگر اگر فرد بخواهد با شخصی در خارج از کشور ارسال و دریافت پیام داشته باشد و یا تماس صوتی و تصویری با وی برقرار کند، نیاز است که حتماً از یک شماره خارجی این کار را انجام دهد. در غیر این صورت هزینه‌های تماس با سیم کارت داخلی بسیار فزاینده خواهد بود و صرفه اقتصادی نخواهد داشت. همچنین اگر فرد بخواهد با شرکت‌ها و یا افرادی که در خارج از ایران هستند، ارتباط برقرار کند به طوری که آن‌ها متوجه نشوند که از ایران با آن‌ها تماس گرفته شده، استفاده از شماره مجازی بهترین گزینه می‌باشد.

حقیقت آن است که، ردیابی و احراز هویت دارنده این شماره‌ها مشکل است. زیرا شیوه کار آن بدین صورت است که هر شخصی ممکن است فقط یک بار از یک شماره مجازی استفاده کند. فرض کنید از شخصی تماسی با استفاده از این شماره‌های مجازی دریافت نموده اید، چند روز بعد با همین شماره تماس می‌گیرید، یا به شبکه متصل نمی‌شوید و یا شخصی دیگر پاسخ می‌دهد! شیوه کار شماره‌های مجازی به همین شکل است و این شماره‌ها به راحتی قابل انتقال به شخص یا شرکتی دیگر هستند. با این اوصاف می‌توان گفت که هک شماره مجازی و ردیابی این شماره‌ها هر چند کار غیرممکنی نیست ولی بسیار سخت و زمان‌بر خواهد بود. در بسیاری از کشورها در صورت وقوع جرم، ردیابی این شماره‌ها نیازمند طی کردن مراحل قانونی و حتی اجازه گرفتن از دادگاه می‌باشد. معمولاً ردگیری این شماره‌ها از طریق ارائه دهندگان خدمات اینترنتی یا همان ISP صورت می‌گیرد که البته همان‌طور که گفته شد برای گرفتن اطلاعات در این زمینه باید به صورت قانونی وارد عمل شد و طبیعتاً کار بسیار پر زحمت، زمان‌بر و پرهزینه‌ای است (عبداللهی، ۱۳۹۹، ص ۱۴).

نکته مهم در اینجا آن است که در حال حاضر غالب شرکت‌های ارائه دهنده اکانت مجازی خارج از کشور هستند! شرکت‌هایی که اپلیکیشن مربوطه را تهیه کرده‌اند و کد مورد نظر را به مخاطب می‌دهند بخشی خارج از

کشور هستند اما بخشی نیز در داخل‌اند همچون آسیاتل<sup>۱</sup> که لازم است سیاست‌ها و اقدامات لازم در جهت حمایت و فراگیری استفاده از سیم کارت‌های تولیدی شرکت‌های داخلی و حذف هرگونه جولان سیم کارت‌های مجازی خارجی در دستور کار قرار گیرد و گرنه در آینده‌ای نزدیک مشکلی دیگر بر مشکلات این حوزه و از نوع بزرگتر و پیچیده تر آن، افزوده خواهد شد.

#### ۷. ضعف طرح کد شامد «شناسه الکترونیکی ثبت ملی محتوا»

با فراگیر شدن کانال‌های تلگرامی، بحث شناسنامه دار شدن الکترونیکی محتوای دیجیتال (طرح شامد) به موضوعی جدی و حتمی تبدیل شد طوری که حجم انبوهی از کل جرایم فضای مجازی در فضای تلگرام رخ می‌داد، بنابراین همانگونه که نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای، دارای هولوگرام<sup>۲</sup> بودند، ثبت و احراز هویت کانال‌های تلگرام نیز امری ضروری شد. بر این اساس کانال‌هایی که بیش از ۵ هزار کاربر داشتند باید در سامانه مربوطه مراجعه کرده تا هویت ادمن کانال احراز شده و مشخص می‌شدند چه کسی آن را راه اندازی کرده است. این طرح بر این موارد تاکید داشت که؛ مسئولیت محتوا در فضای مجازی، برخلاف نشریات مکتوب به عهده تولید کنندگان محتواست و مسئول محتوای تولید شده (ادمن کانال) پاسخگوی مردم در قبال محتوای کانال نیز هست.

در این سامانه، کد ملی مدیر سایت (ادمن) ثبت شده و سپس این موارد با مشخصات ثبت شده وی در سامانه ثبت احوال کشور مقایسه می‌شود چنانچه مغایرتی بین اطلاعات ثبت شده در هر دو سامانه نبود، یعنی اینکه، شماره تلفن همراهی که ادمن اعلام کرده متعلق به همان فرد با مشخصات کد ملی باشد. پس از تأیید هویت ادمن، کد یونیک در اختیار وی قرار داده می‌شود که شناسه الکترونیکی محتوای دیجیتال کانال او محسوب می‌گردد و لذا باید این کد را در کانال قرار دهد. تا کاربرانی که از کانال استفاده می‌کنند، بتوانند روی لینکی که روی کد یونیک قرار داده شده، کلیک کنند و کانال مربوطه را اعتبارسنجی نمایند. این از آن جهت است که مردم بهترین ناظر هستند و می‌توانند به دولت کمک کنند تا کانال‌های کلاهبرداری و نامتعارف شناسایی شوند. نیز می‌توانند با مراجعه به لینک و کد کانال، تقلبی بودن آن را تشخیص دهند و کانال‌های دارای محتوای ناهنجار اجتماعی و کلاهبرداری را گزارش کنند.

چنانچه ادمن کانالهایی با بیش از ۵ هزار کاربر در سامانه شامد ثبت نام نکنند، مرتکب تخلف شده‌اند. در این راستا، مسئولان امر در دولت قبلی ابراز می‌داشتند که طرح شامد توسط وزارت ارشاد انجام شده و همه رسانه‌های

1. AsiaTel.

2. Hologram.

فعال در فضای مجازی ثبت شده‌اند و از آن‌ها تعهد نیز اخذ شده است ضمن آنکه بعد از ثبت بر فعالیت آن‌ها نظارت وجود دارد. بنابر اظهارات، لازمه ثبت، امضای تعهدنامه مذکور است و بعداً نیز نظارتها وجود دارد (هم نظارت مردمی و هم از طریق ارشاد)، که منجر می‌شود به ارسال ابلاغیه به موارد خلاف و اگر رعایت نکنند شامدشان تعلیق می‌شود و یا به مراجع قضائی ارجاع داده می‌شوند (عبدالهی، ۱۳۹۹، ص ۱۵).

اما آنچه ادعا می‌شد با واقعیت خیلی فاصله داشت و در خصوص میزان اجرای این طرح و الزام آور بودن آن تردیدهایی وجود دارد چنان‌که حسب شواهد امر، شامد ضمانت اجرایی نداشته و نمی‌توانست داشته باشد بدلیل آنکه بستر آن خارجی بود و در این بستر اجرای قانون بازدارنده ممکن نیست لذا کار ثبت ادمین کانال‌های پرمخاطب در شامد، در حد خوداظهاری و کاری اختیاری است (اجباری برای ثبت و یا ضمانت اجرایی برای اجبار به ثبت وجود نداشت و ندارد). همچنان‌که نسبت به راه کارهای تشویقی و حمایتی از کانال‌های همراهی‌کننده این طرح اطلاعاتی در دست نمی‌باشد (تربتی، ۱۳۹۸، ص ۴۷). بنظر می‌رسد علاوه بر لزوم رفع این اشکالات لازم است گستره این طرح مورد بازبینی قرار گیرد و با نظر به از رونق افتادن تلگرام و کوچ بخش عمده‌ای از کاربران به شبکه‌های دیگر، این شبکه‌ها نیز در دایره طرح شامد قرار گیرند.

#### ۸. عدم کنترل VODهای داخلی (برنامه‌های ویدئویی در خواستی ضبط شده)

یکی از بحث‌ها این است که VODها مانند آپارات، رها هستند و بخش قابل توجهی از محتوایی که در فضاهای مجازی غیرقانونی و متخلف بارگذاری می‌کنند اینجا هم قابل رؤیت است! البته در اینجا سه موضوع تقریباً مشابه وجود دارد که لازم است جدا از هم بررسی شوند؛ یکی بحث IPTV که مربوط به صداوسیماست دیگری VODها که برای سازمان سینمایی ارشاد است (البته از بُعد صوت و تصویر فراگیر در ذیل صدا و سیما نیز تعریف می‌شوند و تنها فروش شان با مجوز ارشاد است، به هر حال اختلاف نظر وجود دارد و مدیریت منسجم و مشخصی مشاهده نمی‌شود و نتیجه، آن شده که رها هستند) و یکی هم رسانه‌های برخط<sup>۱</sup> که مربوط به قسمت خود وزارت ارشاد هست.

VOD<sup>۲</sup> یکی از مجموعه خدمات قابل ارایه از طریق IPTV است. در VOD این امکان وجود دارد که

۱. واژه‌های برخط یا آنلاین و برون‌خط یا آفلاین معانی مشخصی در رابطه با فناوری رایانه و مخابرات دارند. به‌طور کلی، برخط نشانگر حالت اتصال است در حالی که برون‌خط نشان‌دهنده حالت قطعی می‌باشد. در فرهنگ رایانه منظور از برخط یا آنلاین وضعیت یا حالت وصل بودن به رایانه مرکزی است؛ یعنی وصل بودن یک کاربر به اینترنت و شبکه‌های الکترونیکی مانند آن. زمانی که فرد به اینترنت متصل می‌شود، در واقع، قابل دسترس هست و هر کسی می‌تواند با استفاده از ابزار مناسب، به‌طور مستقیم و بی‌درنگ با وی ارتباط برقرار کند.

۲. مخفف Video On Demand به معنی برنامه ویدئویی درخواستی ضبط شده است.

فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، مستندهای جذاب، برنامه‌های آموزشی و... در اختیار کاربران قرار بگیرد. معمولاً در صفحه‌ای که برای نمایش لیست این ویدئوها به کاربر تعبیه می‌شود، تمهیداتی مثل جستجو بر اساس نام فیلم، بازیگران، کارگردان و همچنین اطلاعاتی در مورد قیمت، مدت زمان اجاره و قوانین مربوط به محتوا قرار می‌گیرد.

با این ملاحظه که عمده نگاه در VODها اقتصادی است و نه فرهنگی و در نگاه اقتصادی به منظور سودآوری و جلب مخاطب، محتوای زرد و حتی بازی با خطوط قرمز فرهنگی اولویت می‌یابد و به عنوان ابزاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، قابل ذکر است که؛ طبق اظهارات مسئولان وزارت ارشاد سابق در خصوص اقدامات صورت گرفته در این حوزه، VODها یک عده شان اصلاً ثبت نکرده‌اند و ارشاد مواردی را که خودش مجوز نداده نمی‌تواند برخورد کند [که البته سوال است که چرا این عده ثبت نکرده‌اند و از ارشاد مجوز نگرفته‌اند و این عده اگر از ارشاد مجوز نمی‌گیرند از کجا مجوز می‌گیرند یا باید بگیرند؟] ولی در خصوص مواردی که ارشاد مجوز داده، یک سری از اینها کاربر محور هستند و (YJC) وای جی سی‌هایی هستند که مسئولیت بارگزاری و محتوا به عهده خود کاربر هست که خود کاربر نظارت را انجام می‌دهد و گزارش‌های مختلفی هم که می‌آید ارشاد بررسی می‌کند، لذا شاید رصد درصدی که مدنظر است وجود نداشته نباشد یا با تاخیر اتفاق بیفتد. دوباره در اینجا این سوال مطرح است که VODهای مجوزدار غیرکاربرمحور چرا بعضاً محتوای ناسالم منتشر می‌کنند؟! طبق اظهار نظر نماینده ارشاد، در مواردی لیست VODهایی که مجوز ندارند برای فتا و برای دادستانی ارسال می‌شود ولی اقدامی صورت نمی‌گیرد در اینجا نیز سوال است که آیا اقدام نظارتی و سلبی نمی‌تواند توسط خود ارشاد و بدون این واسطه‌ها در دنیایی که ثانیه‌ها ارزشمند هستند اتفاق بیفتد؟! یا اینکه سیستم‌ها یکپارچه باشند و نهادهای نظارتی به صورت برخط، از لیست متخلفین اطلاع یابند؟! (عبداللهی، ۱۳۹۹، ص ۱۷)

چند ملاحظه در اینجا قابل تأمل است:

۱. فارغ از آنچه در انتهای بحث پیام‌رسان‌های داخلی گفته شد و در تمام این مباحث ساری و جاری است، باید نیم‌نگاهی نیز به رقبای خارجی VODهای داخلی داشت خصوصاً با دامپینگی که این رقبا انجام می‌دهند؛ یعنی اگر «آپارات» از کار انداخته شود، جای آن را یوتیوب<sup>۱</sup> می‌گیرد، اگر «دیوار» تعطیل شود به جایش آمازون<sup>۲</sup> می‌نشیند!

۲. چون مهم در فضای مجازی کار اقتصادی، خدمات اقتصادی، تبلیغات و فعالیت‌هایی از این دست است و

1. Youtube.

2. Amazon.

فعالان اقتصادی لزوماً در داخل کشورند شاید بتوان با اعمال جریمه برای فعالان اقتصادی که در بستر خارجی فعالیت می‌کنند و با سوق دادن آن‌ها به سرورهای داخلی، اتوماتیک وار بستر داخلی را رونق داد و بستر خارجی را از رونق انداخت (از طریق برخورد با ثبت سفارش تبلیغات از جانب شرکتها و مؤسسات داخلی در بستر خارجی).

۳. در اعمال قانون، فشارها متأسفانه روی کسی می‌رود که مجوز دارد و قانونی عمل می‌کند و غیرمجازدار همواره در حاشیه امن است و با اقدام حاکمیت بر علیه مجوزدارها، بیش از پیش میدان در دست غیرمجازدارها می‌افتد. جالب اینکه عمده تخلفات توسط غیرمجازدارهاست. البته منظور این نیست که با تخلفات مجوزدارها برخورد نشود - هرچند با مجوزدارها و احراز هویت شده‌ها نیز کار چندانی صورت نمی‌گیرد - بلکه مراد این است که برای به سرانجام رسیدن این برنامه، باید تمهیدی اندیشید که اساساً بدون مجوز امکان فعالیت وجود نداشته باشد.

۴. باید رویکردها در اعمال جرائم متخلفان بازنگری شود؛ با این توضیح که در حال حاضر جهت‌گیری جرائم، صرفاً به سمت اپراتورهاست، برخی نیز بر آنند که باید سمت و سوی جرائم به سمت کاربران متخلف باشد و جرائم به جای اپراتورهای متخلف، فعالان و کاربران متخلف را مشمول جرائم و محرومیت‌ها قرار دهند و گرنه جریمه اپراتور به جای کاربر، سبب کوچ دادن آن‌ها به خارج از کشور و از دست دادن آن‌ها می‌شود مانند جریمه بلاگفا<sup>۱</sup> که باعث رفتن این اپراتور به خارج شد و جریمه آپارات نیز چنین بیمی را تداعی می‌سازد. بنظر می‌رسد راه سومی نیز قابل تصور باشد و آن اعمال جرائم و محرومیت‌ها در حدی متناسب و معقول برای هر دوی کاربر و اپراتورها با رویکرد حفظ و اصلاح آن‌ها باشد. همچنان‌که لازم است ملاحظات مربوط به برخورد فعالانه و نه منفعلانه و لزوم قوی شدن و نیز تمرکز بر اقدامات ایجابی و استفاده از روش‌های سلبی صرفاً در حد ضرورت را مورد توجه قرار داد.

## ۹. ناهماهنگی دستگاه‌ها در تقنین و اجرا و فقدان راهبری ستادی

ساماندهی فضای مجازی در همه سطوح، از مهم‌ترین وظایف حکومت است که جهت انجام آن، نیازمند یک نظام یکپارچه در عالی‌ترین سطوح مدیریت راهبردی کشور است تا در لوای آن بتوان حکمرانی فضای مجازی را اعمال کرده و با ارائه مدل‌های راهبردی و پیاده‌سازی آن در لایه‌های مختلف به دفاع از حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران پرداخت و از سوی دیگر متولیان و ذینفعان در این فضا شامل دولت، سازمان‌ها، مردم، ... باید همسو، هم‌افزا و هماهنگ در این فضا عمل کنند.

1. Blogfa.

در شرایط کنونی، نهادهایی که وظیفه‌ای در خصوص ساماندهی فضای مجازی بر عهده دارند، با چالش‌هایی در خصوص مدیریت یکپارچه و منسجم فضای مجازی مواجه هستند که رفع آن‌ها نیازمند اقدام متقن، هماهنگ و معجانانه است. برخی از این چالش‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. به دلیل گستردگی و فراگیر شدن فضای مجازی، این نهادها، دارای شرح وظایف متنوع و بعضاً مشابهی شده‌اند. لیکن دارای برداشت‌های یکسان و تعاریف استاندارد بومی در مفاهیم پایه نیستند.

۲. به علت تعدد ذی‌نفعان و متولیان در این حوزه، روابط حمایت شونده / حمایت‌کننده مناسب نیست و مسئولان و کارشناسان باید چندین رابطه را که هر یک آزادی‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارند درک و مدیریت کنند.

۳. فقدان جهت‌گیری واحد و مواضع اصولی اقدام‌کنندگان در فضای سایبر موجب شده مسئولین ضمن انجام اقدامات سلیقه‌ای و حرکات موازی، ناخواسته مسبب پدید آمدن چالش در فرآیند حکمرانی فضای مجازی شوند (بخشی پور، ۴ آذر ۱۴۰۰، کد خبر ۵۳۶۰۱۱۹).

۴. در چنین وضعیتی شورای عالی فضای مجازی رافع نیازمندی‌های راهبری نیست. در سال ۱۳۹۰ شورای عالی فضای مجازی به تشخیص مقام معظم رهبری به‌عنوان بالاترین نهاد حاکمیتی، در شرایطی شکل‌گرفت که دستگاه‌ها دارای ناهماهنگی در مدیریت فضای مجازی کشور بودند. آنچه هم اکنون بعد از گذشت ۱۰ سال عملاً مشاهده می‌شود اولاً؛ تعدد مراجع قانونگذاری در حوزه فضای مجازی است (از مجلس شورای اسلامی گرفته تا کمیسیون عالی تنظیم مقررات، شورای عالی امنیت ملی، وزارت ارشاد، کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه و چندین نهاد دیگر که هر کدام به نوعی برای فضای مجازی ریل‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌کنند) در چنین فضایی اساساً نسبت شورای عالی فضای مجازی و مصوبات آن با سایر دستگاه‌ها و مصوبات آن‌ها به شکلی دقیق مشخص نشده و مورد قبول دستگاه‌های ذیربط نیز نیست، همچنان‌که نسبت سایر دستگاه‌ها و مصوباتشان با همدیگر معلوم نیست. ثانیاً؛ به مانند حوزه تقنین در حوزه اجرا تشتت وجود دارد و ناهماهنگی‌های فراوان مشاهده می‌شود و ضمن فقدان ضمانت‌های اجرایی برای تبعیت از جایگاه قرارگاهی مرکز ملی فضای مجازی، هر دستگاهی عملاً کار خود را حسب تشخیص خویش انجام می‌دهد و حلقه‌های اجرا اتصال و انسجام مورد انتظار را ندارند. عدم انسجام کافی و یکپارچگی در مدیریت این فضا، موجب نقصان در بهره‌برداری از فرصت‌های پدید آمده در آن و ناتوانی در حکمرانی فضای مجازی می‌شود.

به نظر می‌رسد «به دلیل نبود مدیریت و سیاست‌گذاری واحد در بخش فضای مجازی، ناکارآمدی بعضی از دستگاه‌ها، مشکلات مرتبط با موضوع هماهنگی در تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری و هماهنگی در اقدامات

دستگاه‌ها و با توجه به هدررفت مقدار قابل توجهی از زمان شورای عالی فضای مجازی بنا به دلایل بوروکراتیک و ضعف در نظارت و تصمیم‌گیری نیازمند بازنگری و بازتعریف دقیق در [مأموریت‌ها و] کارکردهای دستگاه‌های مربوطه و شورای عالی فضای مجازی هستیم» (نرگسیان، پیران‌نژاد، حاجی ملامیرزایی و قربیان، ۱۴۰۰، ص ۱۹۴).

۵. عمل نشدن به قوانین و سیاست‌های وضع شده و فقدان عزم و اراده لازم برای اجرا در دستگاه‌ها و نیز نقصان اراده در شورای عالی فضای مجازی برای پیگیری ثمربخش مصوبات و قوانین تا حصول نتیجه مورد انتظار. در واقع علی‌رغم وجود کمبودهایی در حوزه قوانین و سیاست‌ها، انبوهی از قوانین و سیاست‌های ارزشمند و مطلوب هست که بی‌گمان پیگیری اجرایی آن‌ها و عمل به آنها، بخش عمده‌ای از مشکلات این حوزه را سامان می‌دهد. جالب اینکه فضای مجازی در بالاترین اسناد کشور که از بیشترین ضمانت‌های اجرایی برخوردارند، مورد توجه قرار گرفته است به عنوان نمونه: «در راهبردهای سند ششم توسعه در حوزه فضای مجازی از ۷ بند ۴ بند به مواردی از جمله توسعه محتوا در فضای مجازی بر اساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور تا حداقل پنج برابر وضعیت کنونی، بومی سازی شبکه‌های اجتماعی، تسلط بر دروازه‌های ورودی و خروجی فضای مجازی و پالایش هوشمند آن، ساماندهی و احراز هویت اختصاص دارد همچنین یکی از مباحث مورد توجه در سند ششم موضوع صدور فرهنگ از طریق ظرفیت فضای مجازی می‌باشد» (طرح نگلی، میرترابی و گلشنی ۱۳۹۸، ص ۱۱۳)

در این خصوص نباید از تاثیر عوامل زیر نیز در به سرانجام نرسیدن قوانین و اقدامات چشم پوشید: الف) بهره‌گیری از روش‌های منسوخ و قدیمی و در نتیجه اتلاف انرژی در برخی از دستگاه‌ها، ب) ساختارهای ناکارآمد در بسیاری از دستگاه‌ها، ج) توجه کمتر به سیاستگذاری در جهت کار فرهنگی از پائین و مراقبت از سوی خود خانواده‌ها و مراقبت معنوی د) عدم توجه لازم به مقوله جنگ نرم روانی رقیب و دشمن و سیاستگذاری ضعیف در مقابله هدفمند با جنگ نرم رسانه‌ای.

## ۱۰. غلبه رویکردهای سلبی بر ایجابی در ساماندهی فضای مجازی

بنابر مفروض بودن ضرورت ساماندهی فضای مجازی -حسب توضیحی که در ابتدای مقاله گذشت- قابل ذکر است که عمده سیاستگذاری‌ها در فضای مجازی با رویکرد سلبی بوده و قوانین با رویکرد سلبی بر قوانین ایجابی غلبه دارد؛ توضیح بیشتر آنکه «با بروز و ظهور فن‌آوری‌های به روز در جامعه، همواره موافقان و مخالفانی بودند که به تناسب مواضعشان با ذکر مزایا و معایب آنها، رویکردهای سلبی و ایجابی مختلفی داشته‌اند. و این رویکرد و جریان، اختصاص به ورود فناوری‌های جدید ندارد بلکه در مورد فناوری‌های بالنسبه قدیمی نیز صادق است. مانند ورود تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون و ویدیو» (حسنوندی و منطقی، ۱۳۹۰، ص ۱۴-۱۵). جالب اینکه ورود این فناوری‌ها در جوامع غربی نیز به منزله یک تهدید جدی برای شان بوده و دغدغه مندی مسئولان و جامعه شناسان را



از جهات مختلف فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و... موجب شده است و باید از این تفکر اشتباه فاصله گرفت که فناوری جدید صرفاً و از ذات با هدف اسلام‌ستیزی و استفاده ابزاری از آن برای نابودی اسلام توسط غرب ملحد اختراع و گسترش یافته است. باید این واقعیت را بدانیم که فلسفه وجودی و پیدایش غالب فناوری‌ها استفاده ابزاری منفی از آن نبوده است بلکه پس از پیدایش، در این مسیر هم استفاده شده است.

بررسی تطبیقی مواضع اولیای فرهنگی جوامع ایران و غرب، حکایت از برخوردی متفاوت در زمینه فن‌آوری‌های جدید دارد. به این معنا که مسئولان و اولیای امور فرهنگی و اجتماعی در ایران، بیشتر از آن که ترکیب توأم با فرصت و تهدید فن‌آوری‌ها را پذیرفته، در صدد برنامه‌ریزی و بسترسازی برای افزایش فرصت‌های فن‌آوری‌ها و کاهش تهدید آن‌ها باشند، بیشتر متوجه مقابله با تهدیدهای احتمالی فن‌آوری‌ها شده‌اند و این امر، به جای بسترسازی برای استفاده جامعه از فرصت‌های فن‌آوری‌های ارتباطی جدید، عملاً به فرصت‌سوزی تبدیل شده است (منطقی، ۱۳۸۶ الف). ما با یکجانبه‌نگری نه تنها نتوانسته ایم به نحو مطلوب و در زمان خود از این ابزار بهره ببریم بلکه با اجازه ندادن به کارشناسان و صاحب نظران در جهت بررسی جوانب موضوع، فرصت کاهش آسیب‌ها را نیز از خود گرفته‌ایم، در عمل هم که نتوانسته ایم در برابر ورود و گسترش آن برای همیشه موفق باشیم! (منطقی، ۱۳۸۶ ب)، (۸۷) اما درحالی‌که در ایران به لحاظ تحقیقاتی، با بی‌توجهی از کنار تبعات و پیامدهای فضای مجازی عبور شده است، در غرب تلاش وافر برای شناخت نقاط ضعف و قوت آن و کوشش به منظور گسترش بسترسازی‌ها برای افزایش فرصت و کاهش تهدیدهای آن، شده است. بر همین اساس با سمت و سو دادن به پژوهش‌ها و تحقیقات اجتماعی در غرب بدین سو، پژوهش‌های انجام شده، حاوی سه محور کلان پژوهش در زمینه: شناخت فرصتها و تهدیدهای ناشی از فضای مجازی، تلاش در راستای کاهش آسیب و تلاش در جهت گسترش فرصت‌های فضای مجازی، می‌باشد. بنابراین فن‌آوری‌های ارتباطی نه در ایران بلکه در جهان حاضر یک انتخاب نبوده، بلکه یک تحمیل بوده است، ولی برای مقابله با تهدیدهای آن، غربی‌ها با اتکا به رویکردی مداخله‌گرایانه، کوشیده‌اند با گسترش فرصت‌ها از میزان تهدیدهای آن بکاهند. اما به سبب دید متفاوت متولیان در ایران، فن‌آوری‌های ارتباطی پیشرفته، به سبب آن که متضمن تهدید نیز هستند، در نگاه و برخورد سلبی آرمان‌گرایانه، به کنار نهاده شده‌اند (حسنوندی و منطقی، ۱۳۹۰ ش، ص ۷۱).

البته به همان اندازه که باید از جنبه افراط که همان نگاه سلبی صرف و تحریم کل و اصل فناوری است دوری گزید از جنبه تفریط و یله و رها نمودن جامعه برای ورود هر گونه فناوری و به هر شکل آن اجتناب نمود چنان‌که فناوری‌های مدرن حتی در جامعه مادی‌گرای غربی نیز یله و رها نیست و چنان نیست که افراد در هر سن و مکان و زمانی بتوانند از تمام ابزارهای فناوری نوین استفاده کنند و این یک گزاره بدیهی عقلی است. بر همین اساس بایستی اصل برنامه و طرح ریزی متمرکز بر جنبه ایجابی مسئله و استفاده بهینه از فرصت‌های فناوری و ارتقای آن‌ها باشد، باید با فناوری مواجهه فعال داشت و قبل از هر کشوری با بررسی تمام جوانب فناوری‌های جدید،

فرصتها و تهدیدهای آن را احصاء نمود و آنگاه با فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای محیطی و بومی‌سازی و... فضا را برای استفاده بهینه ایجابی از ابزار جدید فراهم ساخت آنگاه با بخش‌هایی از فناوری که نیازمند اصلاح یا حذف است و راهکار دیگری برای آن‌ها متصور نیست اقدام متناسب را انجام داد. رویکردهای مبتنی بر نفی و انکار، علاوه بر خالی گذاشتن عرصه برای تاخت و تاز رقیب و دشمن، تنها به فرصت‌سوزی خواهد انجامید. چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «باید با تلاش مبتکرانه به مقابله با این مقوله‌ها پرداخت، رصد و شناخت دقیق پدیده‌های نوظهور تهاجم فرهنگی قبل از ورود به ایران ضروری است، دیر فهمیدن و دیر جنبیدن مشکل آفرین است بنابراین باید به موقع و حکیمانه برخورد کرد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹)

## نتیجه‌گیری

در راستای ضرورت ساماندهی فضای مجازی، با هدف جلوگیری از گسترش آسیب‌ها (اعم از آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و...)، اقدامات زیادی صورت گرفته و قوانین و اسناد متعددی وضع شده همان‌طورکه هزینه‌های زیادی صرف و ساختارهای زیادی شکل گرفته است ولی در مجموع، هدف مورد انتظار از آن‌ها محقق نشده و نتیجه و اثربخشی مطلوب مشاهده نمی‌گردد، طوری‌که در چند سال اخیر با کوچ کردن تخلفات و آسیب‌ها از فضای حقیقی به مجازی، غالب مشکلاتی که برای افراد و کشور در سطح خرد و کلان ایجاد شده با بهره‌گیری از این بستر بوده و اکثریت قریب به اتفاق مسائل و معضلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و... به‌نوعی با فضای مجازی نابسامان ارتباط پیدا می‌کنند! آمار بالای سرقت اینترنتی، نفوذ به حریم خصوصی افراد و دستبرد به اطلاعات و داده‌های محرمانه، اخاذی و تهدید به انحاء مختلف، فروش و توزیع کالاهای ممنوعه از سلاح گرفته تا مواد مخدر و مشکلات امنیتی با تحریک اقوام و گروه‌ها و جولان دادن گروهک‌های ضدوطني، همه و همه پای ثابت فضای مجازی نابسامان هستند و ساختارها و قوانین و اقدامات فعلی، با اذعان به تأثیرگذاری و جلوگیری‌شان از وضع فاجعه بار، نتوانسته‌اند وضع مطلوبی را برای فعالیت در فضای مجازی رقم بزنند. لذا این مقاله از نوع تحلیلی - توصیفی با روش گردآوری کتابخانه‌ای به دنبال یافتن پاسخ این سوال بوده که مشکل، خلا و آسیب کجاست که باعث بی‌ثمر بودن اقدامات و قوانین و تداوم نابسامانی شده است؟

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که چالش‌های: ساماندهی نشدن شبکه ملی اطلاعات، عدم بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند، ضعف پیام‌رسان‌های داخلی، مشکلات و موانع اثربخشی سامانه شاهکار، رها بودن فیلترشکن‌ها و عدم برخورد مؤثر با وبلاگ‌ها و وبسایت‌های متخلف، فقدان آینده‌نگری نسبت به معضلات شماره‌های مجازی، ضعف در اجرای طرح کد شامد، عدم کنترل VODهای داخلی، ناهماهنگی دستگاه‌ها در

تقنین و اجرا و فقدان راهبری ستادی و غلبه رویکردهای سلبی بر ایجابی در ساماندهی فضای مجازی، باعث تداوم نابسامانی و آسیب‌ها شده است.

راهکارهایی برای رفع چالش‌های گفته شده وجود دارد که پیشنهادها عملیاتی و کاربردی آن، در ضمن بیان چالش‌ها مورد تبیین قرار گرفته‌اند. لیکن نکات محوری مهمی نیز نیازمند توجه است:

۱. برای سامان دادن به تهدیدات و آسیب‌های فضای مجازی لازم است در رویکردهای اصلاحی نه تنها از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بسیار بالای فضای مجازی چشم پوشی نشود بلکه دقیقاً در جهت بروز و ظهور ظرفیت‌ها و استفاده حداکثری از پتانسیل بالای این فضا برنامه ریزی صورت گیرد.

۲. در مورد تهدیدات فرهنگی، با احترام گذاشتن به حریم خصوصی کاربران و تفسیر حداکثری از مصادیق و قلمرو حریم خصوصی اقدام شود و تا جایی که ضرورت ایجاب نمی‌کند (با تفسیر موسع از «ضرورت»)، از فیلترینگ (اعم از هوشمند و غیر آن) اجتناب شود و گرنه منجر به بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی نظام در همراه ساختن مردم برای ساماندهی فضای مجازی خواهد شد.

۳. آنچه برای فعالان خارجی فضای مجازی و از جمله پیام‌رسان‌های خارجی اولویت دارد منافع مادی شان است که از طریق فعالیت کاربران در آن فضا حاصل می‌شود؛ لذا با اتخاذ رویکرد فعال و دوری از مواجهه منفعلانه، بدون اینکه نیازی به بستن پیام‌رسان‌های خارجی و مانند آن باشد، می‌توان با برقراری موازنه قدرت از طرق مختلف (همچون تأثیرگذاری بر منافع آن‌ها با کاهش کاربران، تراکنش‌ها، تولید نرم‌افزارهای رقیب، ...) آن‌ها را ملزم و مجاب به تبعیت، رعایت و همراهی با سیاست‌های خود نمود و این مسیری است که در تمام دنیا پیموده می‌شود. درواقع، درمواجهه با رقیب یا دشمنی که قوی است هیچ راهی جز قوی تر شدن نیست و هیچ ضمانت اجرایی برای در امان بودن از مخاطرات رقیب، بهتر و کارسازتر از قوی بودن نمی‌باشد؛ در چنین حالتی است که دشمن از ترس ضربه خوردن، از ضربه زدن می‌پرهیزد و گرنه، محکوم به شکست خواهیم بود.

۴. به همان اندازه که باید از جنبه افراط که همان نگاه سلبی صرف و تحریم کل و اصل فناوری است دوری گزید از جنبه تفریط و یله و رها بودن جامعه برای ورود هرگونه فناوری و به هر شکل آن اجتناب نمود چنان‌که فناوری‌های مدرن حتی در جامعه مادی‌گرای غربی نیز یله و رها نیست و چنان نیست که افراد در هر سن و مکان و زمانی بتوانند از تمام ابزارهای فناوری نوین استفاده کنند و این يك گزاره بدیهی عقلی است. بر همین اساس بایستی اصل برنامه و طرح‌ریزی متمرکز بر جنبه ایجابی مسئله و استفاده بهینه از فرصت‌های فناوری و ارتقای آن‌ها باشد آنگاه با بخش‌های محدودی از فناوری که نیازمند اصلاح یا حذف است و راهکار دیگری

برای آن متصور نیست اقدام متناسب را انجام داد. غلبه یافتن رویکردهای مبتنی بر نفی و انکار، علاوه بر خالی گذاشتن عرصه برای تاخت و تاز رقیب و دشمن، تنها به فرصت‌سوزی خواهد انجامید.

## منابع

- بخشی‌پور، معصومه، (۱۴۰۰/۹/۴)، *خلاء مصوبات شورای عالی فضای مجازی در مدیریت راهبردی فضای سایبر*، خبرگزاری مهر، کد خبر ۵۳۶۰۱۱۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۱۹ ش، ۱۳۹۵/۸/۹، ۱۴۰۰/۱/۱ ش.
- تربتی، عبدالله، (۱۳۹۸)، *فضای مجازی*، تهران: کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- جاویدنیا، جواد، (۱۳۹۷/۱۲/۱۸)، *عدم اجرای مصوبه مقابله با فیلترشکن‌ها توسط وزارت ارتباطات*، خبرگزاری مشرق، کد خبر ۹۴۲۹۳۹.
- حاتمیان، سید مهدی، (۱۳۹۴/۲/۱۹)، *سند سیاستی شبکه ملی اطلاعات*، وبسایت تخصصی سیاست‌گذاری عمومی.
- حسنونندی، صبا و مرتضی منطقی، (۱۳۹۰)، *فراز و فرود چتروم‌ها*. تهران: نشر عابد.
- رضایی‌ها، آمنه و مریم افشاری، (۱۳۹۷)، «*نقش دولت در مدیریت فضای مجازی از منظر قانون اساسی ایران*»، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۹، شماره ۳۷، ص ۳۱۹-۳۴۰.
- سپهر، (۱۴۰۰)، *ضرورت‌های ساماندهی به فضای مجازی*، تهران: ویرگول.
- طرح نگلی، محمدمهدی؛ میرترابی، سعید و علیرضا گلشنی، (۱۳۹۸)، «*تبیین سیاست‌گذاری فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران*»، مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۳۰، ص ۱۱۱-۱۳۲.
- عبدالهی، غلامعلی، (۱۳۹۹)، *آسیب شناسی فضای سایبر*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- *قانون جرائم رایانه‌ای*، (۱۳۸۸/۴/۳). مجلس شورای اسلامی.
- مصوبه دوم شورای عالی فضای مجازی: «تعریف و الزامات حاکم بر تحقق شبکه ملی اطلاعات و بودجه سال ۱۳۹۳ مرکز ملی فضای مجازی»، ابلاغ ۱۳۹۲/۱۱/۱۲.
- مصوبه شورای عالی فضای مجازی: «سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی»، مصوب ۱۳۹۶/۵/۱۱.
- منطقی، مرتضی، (۱۳۸۶ الف)، *راهنمای اولیا در استفاده فرزندان از تلفن همراه*، تهران: نشر عابد.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶ ب)، *راهنمای اولیا در استفاده فرزندان از بازی‌های ویدیویی*، تهران: نشر عابد.

- نرگسیان، عباس؛ پیران نژاد، علی؛ حاجی ملا میرزایی، حامد و عباس قربیان، (۱۴۰۰)، «*ارائه مدل اجرای خط مشی‌های فضای مجازی در ایران*»، مجله امنیت ملی، سال ۱۱، شماره ۳۹، ص ۱۶۱-۱۹۸.
- واعظی، محمود (وزیر ارتباطات سابق)، (۱۳۹۶/۵/۱)، *ارائه اینترنت نامحدود تصویب شد*، خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۹۶۰۵۰۱۰۰۳۴۵.
- یزدی خواه، سید علی، (۱۴۰۰/۴/۱۲)، *بیش از ۲۰۰ قانون مختص به فضای مجازی در آمریکا*، خبرگزاری فارس، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، کد پیام: ۷۰۰۴۲.